



گرفته شب را به ساحل سیماب گون سپیده، کوچ می دهد. آن سان که
شکوفه های انتظار، در انفاس مسیحایی آن به گل می نشینند.
تمام حرفهای بی کسیم را به تو می گویم
تمام راه را رفتم اما بیراهه بود
ومن فکر کردم که راه راست است
دوباره بر گشتم
مهربان! متشکرم که مهرت را بر من افکندی تا در میانه تاریکی
بینم که در چاه افتاده ام
متشکرم که دستم را گرفتی تا از زمین بلند شوم
مهربان پدر! تا بابت همه محبتهایت متشکرم
کمکم کن برای همیشه
کمکم کن تا دیگر بیراهه نروم
کمکم کن تا دستم را در دست هر کسی نگذارم
برای همیشه
برای همه عمرم
دستهایم را بگیر خورشیدسان
تا بمانم بر مدار
عشق من
ادرکی و لا تهلکی

نجوای انتظار

مولای من!
شب هنوز در تداوم است و منتظران طلوعت به قنوت نشسته اند و
به قامت رعایت رکوع می برند و جای پای تو، سجده گاه خستگانی است
که هزار رکعت نیاز، نذر ناز نگاه تو می کنند. روزگار هنوز گرفتار خشم
خداوند است! و این قهر، تاریخ را در شب فراق تو به انتظار صبح حضورت
نشاند است.
نمی دانم تا سپیده دم فرج، چند نافله مانده است. نمی دانم کدام
قنوت عطشناک، به دامن عنایت تو، توفیق استجابت خواهد یافت تا از
قله های بلند غیبت، به دنیای خاکی ما نزول فرمایی! نمی دانم بوی
شوقی که از نفسهای غمناک این شب به جان می رسد از کرانه های
وصال توست یا از نرگس های مستی که بر کنار جاده انتظار رویده اند؟
اما این یلدای هجر، که از شفق حضور تو التهاب سپیده زدن دارد، در
انتظاری شیرین می سوزد. لحظه لحظه این شب، شکوای هجران تو را
به آسمان می برد. ستاره های سوسوزن این شب که منتظران را به افق
های روشن فجر، بشارت می دهند و آمداران روشنایی خورشید روی
توانند. اما در انتهای این یلدای هجر، بارانی می بارد که افق های غبار



تی.وی.ام

www.star-tvmm.com
تلفن فروش و جذب نمایندگی: ۰۲۲۹-۹۵۱۴-۹ و ۰۲۲۹-۹۲۱۲-۷